



بررسی توصیفی تأثیرات تصمیمات اشتباه سیاسی دولت‌ها بر نرخ بزهکاری طبقات متوسط و فقیر در جوامع توسعه نیافته

حمید لهراسبی^۱

پژوهشگر مستقل حقوقی، واحد شهریار، دانشگاه آزاد اسلامی، شهریار، ایران

hamid.lohrasbi.lawyer@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	امروزه یکی از مباحثی که کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است می‌توان به عنوان حلقه مفقوده در تحقیقات میان رشته‌ای تلقی گردد نقش تصمیمات اشتباه سیاسی در شکل‌گیری برخی جرائم از دید کیفی است که در قالب توسعه یافتگی و عدم توسعه نیافتگی مورد بحث قرار گرفته است، همین امر اهمیت موضوع را می‌رساند. با نگاهی توصیفی تحلیلی و در عین حال با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای در پی پاسخ بدین واقعیت در قالب این سؤال هستیم که آیا علی‌الاصول از دیدگاه توصیفی تصمیمات اشتباه سیاسی در افزایش نرخ بزهکاری در جوامع کمتر توسعه یافته نقش دارد یا خیر؟ به نظر می‌رسد پاسخ این سؤال مثبت باشد با رویکردهای غیر کارشناسی و عدم شایسته‌سالاری در مدیریت‌های حاکم معمولاً غیر دموکراتیک، وجود تصمیمات خلق الساعه گهگاه هیجانی و پوپولیستی امثالهم که در چنین جوامعی شاهد آن هستیم می‌توان یک رابطه منطقی بین این اقدامات سیاسی سیاستمداران و مردم عادی به عنوان بزه دیدگان اقدامات سیاسی اشتباهی برقرار دانست که متأسفانه در هیچ مرجعی نیز پاسخگوی آن نیستند. یافته‌های تحقیقاتی نشان می‌دهد باید با پیش‌بینی اقدامات تبیهی و تشویقی برای مدیران حاکمیتی در راستای کاستن از تبعات نادرست تصمیمات غیر اصولی کارشناسی، مضافاً نگاه ویژه به قربانیان مستقیم چنین نوع خاصی از بزه دیدگی یکی دیگر از رویکردهای ترمیمی و حمایتی در وضع موجود است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۵/۵ تاریخ پذیرش و انتشار: ۱۴۰۴/۰۹/۳۰	
کلیدواژه‌ها: تصمیمات سیاسی قربانیان جرم بزهکاری	

استناد دهی: لهراسبی، حمید (۱۴۰۴). بررسی توصیفی تأثیرات تصمیمات اشتباه سیاسی دولت‌ها بر نرخ بزهکاری طبقات متوسط و فقیر در جوامع توسعه نیافته دو فصلنامه علمی پژوهش‌های تطبیقی حقوق و علوم اجتماعی، (۱)۱، صص ۱۸۲-۱۶۳



ناشر: انتشارات همیار طنین جاهد با همکاری انجمن جرم‌شناسی

مقدمه

تأثیر دولت بر جرم و جنایت موضوع پیچیده‌ای است که می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار گیرد. با توجه به نتایج جستجو، هیچ مدرک قطعی وجود ندارد که اصلاحات حقوقی کیفری، مانند آزادی پیش از محاکمه، مستقیماً به افزایش جرائم خشن منجر شود. علاوه بر این، تحقیقات نشان می‌دهد که دموکراسی تأثیر منفی بر جرائم جدی مانند قتل و تأثیر مثبت بر جرائم جزئی مانند سرقت دارد. با این حال، رابطه بین عوامل اقتصادی و جرم و جنایت ظریف‌تر است و رکود اقتصادی می‌تواند منجر به افزایش جرائم کوتاه‌مدت نسبت به روندهای بلندمدت قبلی شود. هنگام بررسی تأثیر دولت بر جرم و جنایت، در نظر گرفتن تأثیر متقابل پیچیده عوامل اجتماعی-اقتصادی و سیاست‌های دولت ضروری است. در برخی تحقیقات آمده است در مقایسه با دولت‌های غیر دموکراتیک، دولت‌های دموکراتیک جرائم بزرگ (کوچک) را با شدت بیشتری (کمتر) مجازات می‌کنند و از این رو این میزان جرم کمتر (بالاتر) است. یعنی تأثیر دموکراسی بر جرم برای جرائم سنگین مانند قتل منفی و برای جرائم جزئی مانند سرقت مثبت است. علاوه بر این، تولید ناخالص داخلی تأثیر منفی بر همه نرخ‌های جرم و جنایت دارد. علاوه بر این، نابرابری و بیکاری افزایش می‌یابد، در حالی که نرخ ترخیص کالا کاهش می‌یابد، دموکراسی فی نفسه به جای بی ثباتی انتقالی یا سیاسی باعث این رابطه می‌شود. با استفاده از طول مدت مجازات زندان، نرخ ترخیص و زندانیان در هر جرم به عنوان اقدامات بازدارنده، مشخص شد که بازدارندگی می‌تواند تقریباً ۴۰٪ از تأثیر دموکراسی بر جرم را توضیح دهد. (Lin, 2007:p476) نکته‌ای که اینجا مغفول مانده است تاکنون بدان پرداخته نشده است این مسئله است تاکنون آثار تصمیمات سیاسی اشتباه تأثیری بر روند جرائم مختلف صرفاً از دیدگاه توصیفی و اجمالی مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است اگر بخواهیم از لحاظ کمی به قضیه پردازیم باید گفت: متغیرهای زیادی در این قضیه در جرائم مختلف دخیل خواهد بود از این رو بررسی کمی هریک از این امورات می‌تواند موضوعات مقالات و تحقیقات دیگری باشد که دقیقاً این خلأ را پر نماید نوعاً می‌تواند ملاک مناسبی برای گزینش‌ها و انتصابات سیاسی به خصوص در وضعیت عدم واقعی چرخش نخبگان باشد. امروزه با نگاهی توصیفی تحلیلی و در عین حال با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای در پی پاسخ بدین واقعیت در قالب این سؤال هستیم که آیا علی الاصول از دیدگاه توصیفی تصمیمات اشتباه سیاسی در افزایش نرخ بزهکاری در جوامع کمتر توسعه یافته نقش دارد یا خیر؟ به نظر می‌رسد پاسخ این سؤال مثبت باشد با رویکردهای غیر کارشناسی و عدم شایسته سالاری در مدیریت‌های حاکم معمولاً غیر دموکراتیک، وجود تصمیمات خلق الساعه گهگاه هیجانی در چنین جوامعی شاهد آن هستیم می‌توان یک رابطه منطقی بین این اقدامات سیاسی سیاستمداران و مردم عادی به عنوان بزه دیدگان اقدامات سیاسی اشتباهی برقرار دانست.

۱. مبانی نظری

نظریه سیستم‌ها (Systems theory) دانش میان‌رشته‌ای است که کوشش می‌کند به تشریح عملکرد سازمان در قالب یک کل متشکل از اجزا بپردازد. این نظریه با مطالعات لودویک فان بر تالانفی و کنت بالدینگ آغاز گردید و خیلی زود جایگاه خود را در مدیریت پیدا کرد. در دهه ۱۹۵۰ فیزیولوژیست آلمانی، برتالانفی، تئوری را ارائه کرد که هدف آن تبیین همه پدیده‌ها در تمام علوم بود. این تئوری می‌توانست همه نوع دانش علمی را تبیین و وحدت بخشد و به همین علت نام آن را تئوری عمومی سیستم‌ها نهاد.

براساس این تئوی، نظریه پردازان می‌توانستند بر شباهت‌های وحدت بخش همه پدیده‌ها متمرکز شوند. بدین ترتیب تئوری عمومی سیستم‌ها توانست برخی موانع بین علوم را بر دارد و پژوهش‌های میان رشته‌ای را به عنوان انقلابی در علوم مطرح نماید. فارس‌تر بر پایه همین نظریه، رویکرد پویایی سیستم را ارائه نمود. در تفکر سیستمی هر پدیده یک کلیت متشکل از اجزا مرتبط و متعامل است و اصل وابستگی مقابل مهم‌ترین خاصیت آن را تشکیل می‌دهد. اگر اجزا و عناصر پدیده مثلاً سازمان را بررسی نمائیم آن پدیده را نشناخته‌ایم زیرا کل ویژگی‌هایی دارد که در جمع جبری تک تک اعضای آن نیست. روابط متعامل زیرسیستم‌های هر سیستم و ارتباط سیستم مور مطالعه با ابرسیستم پیرامونش مساله مهمی است که در حوزه تفکر سیستمی به آن پرداخته می‌شود. ماری جو هچ این نظریه را با عنوان جریان مدرنسم در سازمان مطرح کرده است و آن را آغازگر تحول بنیادین در مکتب کلاسیک مدیریت معرفی کرده است. دیدگاه مدرن مدیریت به تئوری عمومی سیستم‌ها و نظریه اقتضایی که برگرفته از مکتب سیستمی است اشاره دارد. هر سیستمی دارای مرزهای علی است، تحت تأثیر بافت خود، ساختار، عملکرد و نقش آن تعریف می‌شود و از طریق روابطش با سایر سیستم‌ها بیان می‌شود.

یک سیستم با بیان هم افزایی یا رفتار اضطراری است. (Ludwig:1972:p407)

نظریه سیستم‌ها، در علوم اجتماعی، مطالعه جامعه به عنوان آرایش پیچیده‌ای از عناصر، شامل افراد و باورهای آنها، همانطور که به یک کل (به عنوان مثال، یک کشور) مربوط می‌شود. مطالعه جامعه به عنوان یک نظام اجتماعی سابقه طولانی در علوم اجتماعی دارد. ریشه‌های مفهومی این رویکرد به طور کلی در قرن نوزدهم، به ویژه در آثار هربرت اسپنسر، جامعه شناس و فیلسوف انگلیسی و امیل دورکیم، دانشمند اجتماعی فرانسوی، دنبال می‌شود. در قرن نوزدهم، اسپنسر، تحت تأثیر نظریه تکامل چارلز داروین طبیعت‌شناس بریتانیایی، برای شکل واحدی از نظام اجتماعی استدلال کرد. در رویکرد او، نظام جامعه دائماً در حال تکامل به وضعیت پیچیده‌تر از کمال بود. با این حال، اشکال جایگزین نظریه سیستم‌های اجتماعی برای دیدگاه بسیار متفاوتی از تکامل اجتماعی استدلال می‌کنند.

در این دیدگاه‌ها، جامعه به سمت یک وضعیت کامل در حال تکامل نیست. بلکه در حال رسیدن به وضعیت پیچیدگی فزاینده است. این تمایز ساختاری نامیده شد. تمایز ساختاری به انطباق جامعه با محیط خود از طریق تغییر در پیچیدگی درونی آن اشاره دارد. بدین کیفیت همین امور از ویژگیهای درونی نظریه سیستم‌ها می‌باشد. (Gibson, 2024)

۲. پیشینه پژوهشی

با نگاهی به منابع و ادبیات موضوع برخی از رویکردهای علمی بدین قضیه پرداخته است ولی آنچه محرز و مسلم است منبعی که مستقیماً بدین قضیه پرداخته باشد تا آنجایی که ما جستجو کردیم یافت نشد، علی‌ایحال برخی از منابع و ادبیات پژوهش به شرح ذیل است:

- مقاله با موضوع: نقد پذیری حکومت و انتقادورزی جامعه در نگرش دینی به قلم عبدالعلی محمدی که در سال ۱۳۸۷ در **فصلنامه علوم سیاسی حوزوی** به چاپ رسیده است در آن آمده است: با توجه به نقدپذیر بودن حکومت در نگاه دینی، انتقاد و اعتراض، از جمله حقوق و آزادی‌های سیاسی مردم و از منظر دینی، تکلیف مؤمنان به منظور اصلاح و بهبود یافتن امور حکومت به شمار می‌رود که بر اساس مبانی منطقی و عقلانی، استوار بوده و از نظر دینی، توجیه پذیر است. علاوه بر آن، انتقاد و اعتراض نسبت به عملکردها و سیاست‌های دولت، حدود و شرایطی دارد که عدم رعایت آنها ممکن است مسیر سازنده و هدف اصلاح طلبانه انتقاد و اعتراض را منحرف نموده و تغییر دهد. بنابراین، لازم است در طرح انتقاد و اعتراض، آداب و قواعد حاکم بر آن رعایت شود. تفاوت اثر حاضر چنین است که نگاه مقاله حاضر تأثیر اشتباهات حاضر بر روی نرخ میزان جرائم خاص در جامعه است.

- مقاله با موضوع: پیش‌درآمدی بر آسیب‌شناسی تصمیم‌گیری در نهادهای حاکمیتی با تأکید بر دولت به قلم حمیدرضا رحمانی زاده دهکردی که در سال ۱۴۰۱ در **فصلنامه دولت پژوهی** به چاپ رسیده است در آن آمده است: تصمیمات سیاسی، معمولاً بر حیات سیاسی اجتماعی ما تأثیرات شگفتی برجای می‌گذارند اما نکته این است که آنها به چه میزان راستی‌آزمایی شده و موجه‌اند. پیامدهای منفی برخی از این تصمیمات، گاه چنان بوده که پژوهشگران بسیاری را به جستجو مشکل برانگیخته است. بنابراین، تلاش‌های صورت گرفته و آسیب‌های چندی نیز شناسائی شده اما مسئله این است که اغلب این پژوهش‌ها، بخشی از این آسیب‌ها را به شیوه‌ای انتزاعی دیده‌اند. نویسنده این جستار ضمن اذعان به بهره‌گیری از این پیشینه غنی، مدعی است که همه این آسیب‌ها «نشانگان» چیز عمیق‌تر دیگری هستند. بنابراین هدف نخست، ارائه سنجه‌هایی برای ارزیابی این تصمیمات بوده و در مرحله بعد، شناسایی مهمترین آسیب‌های تصمیم‌گیری سیاسی دولت، در قدم سوم ارائه مصادیقی از این آسیب‌ها و سپس نشان دادن ارتباط آنها با مسئله «پاسخگویی» و مشخص کردن نسبت آنها با شکاف دولت و ملت و ضعف جامعه مدنی در فرجام نهایی است.

- مقاله با موضوع: درآمدی بر رویکرد آرایش سیاسی؛ به مثابه بستری برای ارتقای ظرفیت سیاستگذاری توسعه دولت به قلم مسعود درودی و دیگران که در سال ۱۳۶۹ در **فصلنامه سیاست گذاری عمومی** به چاپ رسیده است در آن آمده است: آرایش سیاسی و به دنبال آن معامله‌ی نخبگان بخش‌های اصلی الگویی از ماندگاری و ثبات حکومت هستند. نقش سازمان سیاسی در آرایش سیاسی هم از لحاظ ثبات این آرایش و هم جهتی که در طول زمان در پیش می‌گیرد، بسیار حیاتی است. تحلیل و تجزیه‌ی آرایش سیاسی نشان می‌دهد که تشکیل حکومت تنها یک مجموعه فرمول تکنیکی نیست، بلکه فرآیندی بسیار سیاسی را هم در بر می‌گیرد. تفاوت اثر حاضر چنین است که به صورت کلان تصمیمات را از دید آسیب شناسی مورد بحث و بررسی قرار داده است.

- مقاله با موضوع: امکان‌سنجی تحقق ایده جرم انگاری (جرم مسئولیت مدنی مدیران) از تئوری تا عمل بر اساس رویکردهای مدل مسئولیت کیفری قانون اقدام راهبردی لغو تحریم‌ها به قلم سیدمحمد رضا موسوی فرد و دیگر نویسندگان که در سال ۱۴۰۱ در **فصلنامه تمدن حقوقی** به چاپ رسیده است در آن آمده است بدون تردید امروزه یک سری از مشکلاتی که در جامعه شاهد آن می‌باشیم و گریبان مردم گرفته است به چند عامل بستگی دارد که عامل سوءمدیریت می‌تواند نقش بسیار کلیدی و راهبردی در به وجود آمدن وضع موجود داشته باشد. مدیرانی که بدون داشتن تخصص و برنامه‌ریزی‌های لازم مناصب مختلف حساس را در دست می‌گیرند که گهگاه تصمیماتی می‌گیرند که هزینه‌ها و آثار زیان بار آن مستقیماً سال‌ها به مردم بر می‌گردد، در زندگی مردم تأثیر مستقیم دارد. با نگاهی به مدل حکومت در نظام اسلامی و حتی مدل‌های جدیدی که به توسعه برمی‌گردد همانند حکمرانی خوب، برخی از مدیریت‌های حاکم با هیچ‌یک از این ویژگی‌های مدل اسلامی و غربی خوانش ندارد. این اثر بیشترین خوانش را با مقاله حاضر دارد.

۳. مفاهیم راهبردی

۳-۱) دولت ملت:

دولت-ملت یک واحد سیاسی است که در آن دولت، یک سازمان سیاسی متمرکز که بر جمعیتی در داخل یک قلمرو حکومت می‌کند، و ملت، جامعه‌ای مبتنی بر هویت مشترک، همخوانی دارند. این مفهوم دقیق‌تر از "کشور" است، زیرا یک کشور نیازی به داشتن یک گروه ملی یا قومی غالب ندارد. یک ملت، که گاهی به معنای قومیت مشترک به کار می‌رود، (Cederman:1997:p19) ممکن است شامل یک دیاسپورا یا پناهندگانی باشد که خارج از دولت-ملت زندگی می‌کنند. برخی از ملل به این معنا کشوری ندارند که در آن قومیت غالب باشد. در یک مفهوم کلی‌تر، یک دولت-ملت به سادگی یک کشور یا قلمرو اداری بزرگ و از نظر سیاسی مستقل است.

یک دولت-ملت را می‌توان با موارد زیر مقایسه کرد: یک امپراتوری، یک واحد سیاسی متشکل از چندین سرزمین و مردم، که معمولاً از طریق فتح ایجاد می‌شود و توسط یک مرکز مسلط و مناطق تابعه مشخص می‌شود. یک دولت چند ملیتی، که در آن هیچ گروه قومی یا فرهنگی تسلط ندارد (چنین دولتی بسته به میزان همسان سازی فرهنگی گروه‌های مختلف ممکن است یک دولت چندفرهنگی نیز در نظر گرفته شود). یک دولت شهر که هم کوچکتر از یک «ملت» به معنای «کشور مستقل بزرگ» است ممکن است تحت سلطه تمام یا بخشی از یک «ملت» واحد به معنای قومیت باشد (Elazar:1998:p129).

رابطه بین یک ملت (به معنای قومی) و یک دولت می‌تواند پیچیده باشد. حضور یک دولت می‌تواند قوم‌گرایی را تشویق کند و گروهی با هویت قومی از پیش موجود می‌تواند بر ترسیم مرزهای سرزمینی تأثیر بگذارد یا برای مشروعیت سیاسی استدلال کند. این تعریف از «دولت-ملت» به طور کلی پذیرفته نشده است. والری تیشکوف، آکادمیک، نتیجه‌گیری می‌کند: «همه تلاش‌ها برای ایجاد اجماع اصطلاحی پیرامون «ملت» با شکست مواجه شد (Valery:2000:p625).

واکر کانر درباره تأثیرات پیرامون شخصیت‌های «ملت»، «دولت (مستقل)»، «دولت-ملت» و «ملی‌گرایی» بحث می‌کند. کانر، که اصطلاح «قوم ناسیونالیسم» را ارز گسترده‌ای به کار برد، همچنین از تمایل به اشتباه گرفتن ملت و دولت و رفتار با همه دولت‌ها به گونه‌ای که انگار دولت‌های ملت است، بحث می‌کند. (Walke:1978:p377) منشأ و تاریخ اولیه دولت-ملت‌ها مورد مناقشه است. یک سؤال تئوریک اصلی این است: "ملت یا دولت-ملت کدام اول شد؟" محققانی مانند استیون وبر، دیوید وودوارد، میشل فوکو و جرمی بلک هستند. این فرضیه را مطرح کرد که دولت-ملت نه از نبوغ سیاسی یا یک منبع نامشخص ناشناخته به وجود آمده است و نه یک اختراع سیاسی است. اما محصول جانبی ناخواسته اکتشافات فکری قرن پانزدهم در اقتصاد سیاسی، سرمایه داری، مرکانتیلیسم، و جغرافیا است.

۲-۳) توسعه نیافته (جهان سوم):

از زمان انحلال اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، استفاده از اصطلاح جهان سوم کاهش یافته است. با عباراتی مانند کشورهای در حال توسعه، کشورهای کمتر توسعه یافته یا جنوب جهانی جایگزین می‌شود. این مفهوم به خودی خود منسوخ شده است زیرا دیگر وضعیت سیاسی یا اقتصادی کنونی جهان را نشان نمی‌دهد و کشورهای فقیر تاریخی از مراحل مختلف درآمدی عبور کرده‌اند. جهان سوم اصطلاحی است که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ رواج یافت و مقصود از آن مجموعه کشورهای تازه استقلال یافته قاره‌های آسیا و آفریقا و همچنین مجموعه کشورهایی است که نه از شمار کشورهای توسعه یافته سرمایه‌داری به‌شمار می‌آیند نه از شمار کشورهای توسعه یافته کمونیست. در این معنی کشورهایی مانند چین، کره شمالی و ویتنام و کامبوج نیز، اگرچه رژیم کمونیست دارند، در مجموعه جهان سوم می‌گنجد.

عنوان‌های همدریف این اصطلاح برای این کشورها، کشورهای «توسعه نیافته»، «کم توسعه» یا «رو به توسعه» است. مفهوم جهان سوم پیشینه کشورهای امریکای لاتین و کشورهای آسیایی و آفریقایی را در برمی‌گیرد. بیشتر این کشورها پیشینه استعمارزدگی دارند (تک استعمار) و از امپریالیسم نفرت دارند و گرفتار فقر و انفجار جمعیت‌اند و در سازمان ملل بیش از دو سوم کشورهای عضو را تشکیل می‌دهند. به بیان دقیق، «جهان سوم» یک گروه سیاسی بود، نه اقتصادی است (Silver, 2015, p40).

در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ یک جنبش سیاسی بین‌المللی در این کشورها برای کسب هویت خاص سیاسی و اخلاقی در برابر دو «بلوک شرق» و «بلوک غرب» پدید آمد که رهبران برجسته آن جواهر لعل نهرو از هند، ناصر از مصر، سوکارنو از اندونزی و تیتو (نک تیتوئیسم) از یوگسلاوی بودند. «کنفرانس باندونگ» و «کنفرانس بلگراد» اجتماعی از رهبران پیشینه اینگونه کشورها بود که با نام «غیرمتعهد» در پی کسب هویت تازه بین‌المللی بودند و حتی برخی امید بسته بودند که از میان این کشورها بلوک سوم یا «نیروی سوم»ی در برابر بلوک‌های شرق و غرب به وجود آید، اما ضعف بنیه اقتصادی و بحران‌های سیاسی داخلی این کشورها ناگزیر آن‌ها را به سوی یکی از دو بلوک شرق و غرب کشاند و اگرچه بسیاری از «کشورهای غیرمتعهد» همچنان به سیاست «عدم تعهد» ادامه می‌دهند. اما در عمل، از نظر ایدئولوژیک و سیاسی و اقتصادی، به یکی از دو بلوک گرایش دارند و درین میان سهم کشورهای گراینده به شوروی و کمک گیرنده از آن به علت ترس و نفرتی که اغلب این کشورها از پیشینه استعماری و امپریالیستی غرب دارند رفته رفته بیشتر می‌شود. البته نباید برخی از اختلاط‌های تئوریک را با هم تداخل داد "نظریه سه جهان" که توسط مائو تسه تونگ ارائه شده است با نظریه غربی سه جهان یا جهان سوم متفاوت است. در این اواخر، برخی نویسندگان غربی تقسیم‌بندی تازه‌ای کرده‌اند و کشورهای روبه توسعه دارای منابع طبیعی غنی، مانند کشورهای نفت خیز خاورمیانه را «جهان چهارم» نامیده‌اند. هرچند که تاریخ پیچیده معانی و زمینه‌های در حال تحول، هیچ تعریف روشن یا توافق شده‌ای از جهان سوم وجود ندارد. (Tomlinson: 2003: 307)

۴. تفاوت شناسی تصمیم سازی دول در جهان اول و جهان سوم

فرآیندهای تصمیم گیری در جهان اول و سوم یک مفهوم واحد و یکسان نیستند. با این حال، برخی از مطالعات نشان می‌دهد که تصمیم گیری در کشورهای در حال توسعه عمدتاً بر اساس فرضیه‌های نادرستی است که منجر به نتایج مخربی شده است (Gross: 1974: p213). در چارچوب سازمان تجارت جهانی (WTO)، کشورهای در حال توسعه علیرغم تلاش‌های هماهنگ برای بهبود مشارکت خود، با مشکلاتی در فرآیندهای تصمیم گیری مواجه شده‌اند. از سوی دیگر، جهان سوم سابق، جهان دوم (بلوک شوروی سابق) را در غبار پشت سر گذاشته و برای رسیدن به جهان اول مسابقه می‌دهد (Woetzel, 2019).

کشورهای در حال توسعه در مقابل کشورهای توسعه یافته؛ بین کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته تفاوت‌های زیادی وجود دارد. مثلاً در سطوح درآمدی کشورهای در حال توسعه معمولاً درآمد سرانه کمتری نسبت به کشورهای توسعه یافته دارند. این بدان معناست که مردم کشورهای در حال توسعه به طور متوسط درآمد کمتری نسبت به مردم کشورهای توسعه یافته دارند.

تصمیمات ناگهانی سیاسی در کشورهای توسعه نیافته از علل نوسانات بازارهای این کشورهاست که معمولاً سطوح درآمدی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. در کشورهای در حال توسعه معمولاً زیرساخت کمتری نسبت به کشورهای توسعه یافته دارند. این شامل مواردی مانند جاده‌ها، پل‌ها، فرودگاه‌ها و سیستم‌های مخابراتی می‌شود. کشورهای در حال توسعه معمولاً نسبت به کشورهای توسعه یافته از نرخ باسوادی کمتر و دسترسی کمتری به آموزش برخوردارند. این بدان معناست که مردم کشورهای در حال توسعه کمتر قادر به خواندن و نوشتن هستند و کمتر به آموزش با کیفیت بالا دسترسی دارند. کشورهای در حال توسعه معمولاً نسبت به کشورهای توسعه یافته نرخ فقر بالاتری دارند. این بدان معناست که درصد بیشتری از مردم در کشورهای در حال توسعه زیر خط فقر زندگی می‌کنند. این‌ها تنها بخشی از مهم‌ترین تفاوت‌های کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته است. توجه به این نکته ضروری است که این تفاوت‌ها همیشه واضح نیستند. کشورهای در حال توسعه بسیاری هستند که در زمینه‌هایی مانند درآمد، زیرساخت‌ها و آموزش پیشرفت می‌کنند. همچنین بسیاری از کشورهای توسعه یافته وجود دارند که در زمینه‌هایی مانند فقر و نابرابری با چالش‌هایی مواجه هستند (Mandalu:2023).

در کشورهای در حال توسعه، گاهی اوقات فرآیندهای تصمیم‌گیری مبتنی بر فرضیه‌های نادرست بوده و منجر به نتایج مخربی می‌شود. به عنوان مثال، در چارچوب سازمان تجارت جهانی، کشورهای در حال توسعه علیرغم تلاش برای افزایش مشارکت خود، در فرآیندهای تصمیم‌گیری با چالش‌هایی مواجه شده‌اند. عواملی مانند وقف منابع تقویت‌کننده نابرابری‌ها، فساد و فقدان حکمرانی خوب می‌تواند به تصمیم‌گیری مخرب در این کشورها کمک کند. علاوه بر این، تحقیقات نشان می‌دهد که تخریب محیط زیست می‌تواند ناشی از فرآیندهای تصمیم‌گیری نادرست توسط مصرف‌کنندگان، سیاستمداران و مذاکره‌کنندگان در زمینه‌های مختلف باشد. هرچند که بنا به شواهد موجود بر این عقیده می‌توان تا حدودی استوار بود که «جهان سوم» امروز از نظر سیاسی به عنوان یک عبارت نادرست و از نظر اقتصادی به عنوان یک مفهوم نادرست است، زیرا یکی از بزرگترین داستان‌های نیم قرن گذشته را در نظر نمی‌گیرد: توسعه اقتصادی چشمگیر که در سراسر جهان رخ داده است (Ibid).

۵. برخی تأثیرات جرم شناختی تصمیمات اشتباه بر عامه مردم

۱-۵): افزایش فقر و بیکاری

فقر یک مشکل چندبعدی است که فراتر از اقتصاد است و از جمله مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را شامل می‌شود. بنابراین، راه‌حل‌های فقر را نمی‌توان منحصرأً مبتنی بر سیاست‌های اقتصادی دانست، بلکه مستلزم مجموعه‌ای از اقدامات کاملاً هماهنگ است. در واقع، این پایه و اساس منطق اساسی استراتژی‌های کاهش فقر جامع است. از آنجا که رشد اقتصادی تنها مهم‌ترین عامل مؤثر بر فقر است و ثبات اقتصاد کلان برای نرخ‌های بالا و پایدار رشد ضروری است. بنابراین، ثبات اقتصاد کلان باید جزء کلیدی هر استراتژی کاهش فقر باشد. اما ثبات اقتصاد کلان به خودی خود نرخ بالای رشد اقتصادی را تضمین نمی‌کند.

در بیشتر موارد، نرخ‌های بالای رشد پایدار به اقدامات ساختاری کلیدی مانند اصلاحات نظارتی، خصوصی‌سازی، اصلاحات خدمات ملکی، بهبود حکمرانی، آزادسازی تجارت و اصلاحات بخش بانکی بستگی دارد که بسیاری از آنها به‌طور مفصل در استراتژی کاهش فقر مورد بحث قرار گرفته‌اند. علاوه بر این، رشد به تنهایی برای کاهش فقر کافی نیست. رشد مرتبط با تغییرات توزیعی پیشرونده تأثیر بیشتری بر فقر خواهد داشت تا رشدی که توزیع را بدون تغییر می‌گذارد. از این رو، سیاست‌هایی که توزیع درآمد و دارایی‌ها را در یک جامعه بهبود می‌بخشد، مانند اصلاحات مالکیت زمین، هزینه‌های عمومی حامی فقرا، و اقداماتی برای افزایش دسترسی فقرا به بازارهای مالی، عناصر اساسی استراتژی کاهش فقر بالتبع بیکاری یک کشور است. با وجود روایت مثبت در مورد کاهش قابل توجه فقر شدید در سراسر جهان، همه اخبار در این خصوص جالب به نظر نمی‌رسند. هنوز هم امروزه بیش از ۷۰۰ میلیون نفر با کمتر از ۱٫۹۰ دلار در روز زندگی می‌کنند که بیش از ۷۲ درصد آنها در آفریقا هستند. نگران‌کننده است که همه‌گیری کووید-۱۹ می‌تواند ۷۱ میلیون نفر دیگر را در سناریوی پایه به فقر شدید و ۱۰۰ میلیون نفر را در سناریوی نزولی سوق دهد پیشرفت‌های انجام شده در کاهش فقر از سال ۲۰۱۷ را از بین می‌برد. (منبع، پیشین)

در عین حال، نابرابری درآمدی در حال افزایش است. در اکثر کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه افزایش یافته است. براساس تحقیقات جامع انجام شده در تجزیه و تحلیل صورت گرفته در مورد عوامل ساختاری اصلی که با تمرکز ویژه بر کیفیت حکمرانی بر رشد حامی فقرا و فراگیر تأثیر می‌گذارند. ناکارآمدی دولت، به ویژه در قالب فساد و حکمرانی ضعیف، می‌تواند از طریق چندین مکانیسم مرتبط به افزایش فقر و جرم و جنایت کمک کند. توزیع ناعادلانه کالاها و خدمات عمومی: فساد و ناکارآمدی در مدیریت سرمایه گذاری عمومی می‌تواند منجر به توزیع نابرابر کالاها و خدمات عمومی مانند آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و زیرساخت‌ها شود.

این می‌تواند منجر به خدمات با کیفیت پایین‌تر برای فقرا شود همین که اغلب به شدت به این منابع متکی هستند. باعث افزایش بیکاری و شاید جرائم شود کاهش اعتماد به دولت: حکومت داری ضعیف می‌تواند منجر به از دست دادن اعتماد به دولت شود که می‌تواند منجر به درگیری و شکنندگی دولت شود (Salerno and others:2021:p10).

می‌توان گفت: دولت‌های ناکارآمد و فاسد ممکن است برای حفظ نظم و قانون مبارزه کنند، که می‌تواند منجر به افزایش جرم و جنایت و فعالیت‌های مجرمانه شود. ناکارآمدی دولت، به‌ویژه در قالب فساد و حکمرانی ضعیف، می‌تواند از طریق تأثیر متقابل پیچیده عواملی که تأمین کالاها و خدمات عمومی را تضعیف می‌کند، ظرفیت و مسئولیت‌پذیری دولت را تضعیف می‌کند و اعتماد به دولت را کاهش می‌دهد، به افزایش فقر و جنایت کمک کند. این نوع حکمرانی می‌تواند مانع رشد اقتصادی شود که می‌تواند منجر به افزایش فقر و نابرابری شود (See: previous sources).

۲-۵: افزایش فاصله طبقاتی (بی اعتمادی و نافرمانی)

نابرابری درآمد و ثروت در دهه‌های اخیر در بسیاری از کشورها افزایش یافته است. افزایش نابرابری و نابرابری‌ها و نگرانی‌های مرتبط با آن باعث نارضایتی اجتماعی شده است و عامل اصلی افزایش قطبی شدن سیاسی و ملی‌گرایی پوپولیستی است که امروزه بسیار آشکار است. جامعه‌ای که به طور فزاینده‌ای نابرابر است می‌تواند اعتماد به نهادهای دولتی را تضعیف کند و حکومت دموکراتیک را تضعیف کند. افزایش نابرابری‌های جهانی می‌تواند ثبات ژئوپلیتیک امپریالیستی را ایجاد کند. افزایش نابرابری به عنوان یک موضوع مهم بحث سیاسی و یک نگرانی عمده سیاست عمومی مطرح شده است. طح نابرابری فعلی بالاست. نابرابری‌های جهانی معاصر نزدیک به اوج سطح مشاهده شده در اوایل قرن بیستم، در پایان دوره قبل از جنگ) که به صورت‌های مختلف به عنوان Belle Époque یا عصر طلایی توصیف شده است (است که شاهد افزایش شدید نابرابری جهانی بود (Zia Qureshi:2023).

به طور کلی، از دهه ۱۹۹۰، نابرابری کلی جهانی (نابرابری در بین همه افراد در جهان) برای اولین بار از دهه ۱۸۲۰ کاهش یافت. با تقویت این روند، بیشتر شاهد کاهش نابرابری درآمدی بین کشورها بوده‌ایم. با این حال، نابرابری درآمد در کشورها افزایش یافته است، این شکل نابرابری است که مردم به صورت روزانه احساس می‌کنند. نابرابری‌ها نه تنها بر اساس درآمد تعیین می‌شوند، بلکه توسط عوامل دیگری مانند جنسیت، سن، منشاء، قومیت، ناتوانی، گرایش جنسی، طبقه و مذهب تعیین می‌شوند. این عوامل تعیین کننده نابرابری فرصت‌ها هستند که همچنان در داخل و بین کشورها ادامه دارد. در برخی از نقاط جهان، این شکاف‌ها در حال آشکارتر شدن است. در همین حال، شکاف‌هایی در زمینه‌های جدیدتر، مانند دسترسی به فناوری‌های آنلاین و تلفن همراه، در حال ظهور هستند.

نتیجه ترکیب پیچیده‌ای از چالش‌های داخلی و خارجی است که در بیست و پنج سال آینده به رشد خود ادامه خواهد داد. افزایش نابرابری ثروت و درآمد در بسیاری از کشورها از جمله ایالات متحده مسائل مهمی بوده است. افزایش نابرابری با کاهش طبقه متوسط همراه است، با کسانی که در ۵۰ درصد پایین هستند معمولاً از دست دادن سهم درآمد بیشتری را تجربه می‌کنند. این روند با عوامل مختلفی مانند تغییرات تکنولوژیکی، جهانی شدن، کاهش اتحادیه‌ها و کاهش ارزش حداقل دستمزد مرتبط است. یک آمار نگران کننده منتشر شده توسط مجلس عوام تخمین می‌زند که تا سال ۲۰۳۰، یک درصد ثروتمند دو سوم کل ثروت جهانی را در اختیار خواهند داشت. افزایش شکاف ثروت دیگر فقط یک شکاف نیست، بلکه یک دره شکاف در همه جوامع در سراسر جهان است. در چند دهه گذشته، نابرابری مالی به سرعت در مقیاس جهانی در حال پیشرفت بوده است. (Robinson:2022) همین بی اعتمادی و نافرمانی اجتماعی و سیاسی به دنبال دارد.

۶. مصداق شناسی جرائم ناشی از تصمیمات اشتباه

۱-۶): افزایش آمار جرائم اقتصادی

افزایش جرائم اقتصادی اغلب با حکمرانی بد همراه است و می‌تواند اثرات منفی قابل توجهی بر اقتصادها داشته باشد. به گفته صندوق بین المللی پول (IMF)، جرائم مالی مانند پولشویی می‌تواند به رشد اقتصادی کمتر فراگیر و پایدار منجر شود و به نابرابری و غیررسمی دامن بزند. آن‌ها همچنین می‌توانند حکمرانی خوب را تضعیف کنند، جرقه بی ثباتی سیاسی را برانگیزند، اعتماد به دولت‌ها و مؤسسات را از بین ببرند و تأثیر منفی و قوی بر نرخ سرمایه گذاری، پس انداز و ثبات کلی اقتصادی داشته باشند.^۱

نهادهای بین المللی همچنین بر ارتباط بین جرائم اقتصادی و مالی و حکمرانی بد تأکید می‌کند و بر اهمیت نهادهای پاسخگو و مؤثر در رسیدگی به این مسائل تأکید می‌کنند. بنابراین، ارتباط واضحی بین افزایش جرائم اقتصادی و اثرات زیانبار آن بر اقتصادها، به ویژه در زمینه حکمرانی ضعیف وجود دارد. داده‌های بانک جهانی نشان می‌دهد که نرخ فقر ایرانیان از ۲۰ درصد در سال ۲۰۱۱ به ۲۸٫۱ درصد در سال ۲۰۲۰ افزایش یافته است. همچنین طبق این آمار، ۴۰ درصد از ایرانیان در معرض فقیر شدن قرار دارند. بانک جهانی در گزارشی به بررسی «فقر و توزیع رفاه» در ایران طی یک دهه گذشته پرداخته است. طبق این گزارش، فاصله زمانی بین سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۲۰، دهه از دست رفته اقتصاد ایران است. براساس گزارش بانک جهانی تحت عنوان «فقر و توزیع رفاه»، خانوارهای ایرانی براساس سطح درآمد به ۵ گروه (چندک) تقسیم شده‌اند. هر یک از این گروه‌ها شامل ۲۰ درصد از جمعیت است و از کمترین درآمد به بالاترین درآمد ردیف شده است.

^۱ . Financial Crimes Hurt Economies and Must be Better Understood and Curbed. (2023, December 7). IMF. <https://www.imf.org/en/Blogs/Articles/2023/12/07/financial-crimes-hurt-economies-and-must-be-better-understood-and-curbed>

بر این اساس، گروه اول شامل ۲۰ درصد فقیر و گروه آخر شامل ۲۰ درصد ثروتمند است. مشاهدات بانک جهانی حاکی از آن است که در سال ۲۰۱۱ «یارانه‌های نقدی معمولی» بیشترین سهم را از یارانه‌های پرداخت شده به ۲۰ درصد فقیر جامعه داشته است. هر چه به سمت چپ‌تر پنجم نزدیک‌تر شویم، سهم مستمری افزایش می‌یابد. در سال ۲۰۲۰ این نسبت در چندک‌های فقیر بیشتر دستخوش تغییر شده است. داده‌های بانک جهانی نشان می‌دهد که نرخ فقر ایرانیان از ۲۰ درصد در سال ۲۰۱۱ به ۲۸٫۱ درصد در سال ۲۰۲۰ افزایش یافته است. همچنین طبق این آمار، ۴۰ درصد از ایرانیان در معرض فقر شدن قرار دارند. به عقیده این نهاد، فاصله زمانی بین سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۲۰ دهه از دست رفته اقتصاد ایران است که در آن رشد اقتصادی پایین را همراه با افزایش تورم تجربه کرده است. در این سال‌ها به طور متوسط سرانه تولید ناخالص داخلی ۰٫۶ درصد کاهش یافته است. علت اصلی این کاهش نیز نوسانات درآمدهای نفتی بوده است. با اینکه دولت ایران تلاش کرده تا منابع درآمدی مالیاتی خود را تقویت کند اما به عقیده بانک جهانی همچنان وابسته به نفت است. همین مسئله باعث شده تا همزمان با کاهش قیمت نفت، کسری هزینه و درآمد برای دولت ایجاد شود و برای جبران آن به ابزار دیگر متصل شود. نتیجه رفاهی این کاهش رشد و افزایش تورم، با کاهش قدرت خرید مردم همراه شده است. در بخشی از گزارش بانک جهانی به ترکیب پرداخت‌های انتقالی خانوارهای ایرانی پرداخته شده که پرداخت‌های انتقالی همان یارانه‌ها هستند.^۱

طبق یافته‌های بانک جهانی، بخشی از منبع درآمدی خانوارها از محل انواع یارانه‌ها تأمین می‌شود. این یارانه‌ها متشکل از «یارانه‌های یک‌باره، کمک‌هزینه و دریافتی از خیریه‌ها»، «مستمری» و «یارانه نقدی معمولی» است. منظور از یارانه‌های یک‌باره، کمک‌هایی است که برای یک مرتبه توسط نهادهای دولتی، خصوصی یا مردم عادی به فقرا پرداخت می‌شود. طبق داده‌های بانک جهانی، به نظر می‌رسد در سال ۲۰۱۱ به میزان ۳۰ درصد از پرداخت‌های انتقالی به ۲۰ درصد فقیر جامعه از طریق یارانه‌های نقدی معمولی تأمین شده و تنها ۵ درصد آن را مستمری تشکیل داده است. هر چه به سمت چپ‌تر چندک‌های ثروتمند نزدیک‌تر می‌شویم، این ترکیب به نفع مستمری تغییر می‌کند. برای مثال، ۲۷ درصد از پرداخت‌های انتقالی ثروتمندترین گروه جامعه را مستمری تشکیل می‌دهد. پیامدهای جنایات اقتصادی فراتر از زیان‌های مستقیم است و بر نهادهای دموکراتیک و ارزش‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارد و در عین حال آسیب‌پذیری‌هایی را برای محروم‌ترین اعضای جامعه ایجاد می‌کند. (Economic Crimes 2022.)

^۱ . <https://www.iranjib.ir/shownews/115383>

۲-۶: شیوع سرقت انواع کلاهبرداری، کیف قاپی و...

متفکران اجتماعی از دیرباز درباره آسیب‌های اجتماعی مطالعه کرده‌اند. دسته‌ای، آن‌ها را ناشی از سرشت آدمی دانسته‌اند که بیشتر در نظریه‌های روان‌شناختی ریشه دارد و دسته‌ای دیگر آنها را ناشی از محیط و طبیعت اجتماع می‌دانند. در بروز آسیب‌های اجتماعی به عوامل متعددی توجه شده است. شرایط اقتصادی جامعه، از جمله این عوامل است که بر اجتماع و مسائل اجتماعی اثرگذار است. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد نشان می‌دهد در بلندمدت و کوتاه‌مدت با افزایش شاخص فلاکت، جرم (سرقت) افزایش می‌یابد. همچنین رابطه منفی معنی‌داری بین رشد تولید ناخالص داخلی استان با تعداد جرم وجود دارد. افزایش متوسط هزینه‌های خانوار نیز ارتباط مستقیمی با جرم سرقت دارد. (حسن زاده دیگران: ۱۴۰۲: ص ۱)

یا به عنوان مثال جرمی مانند کیف قاپی از جمله جرائم رایج در شهرهای بزرگ می‌باشد. شلوغی شهرها، بی احتیاطی افراد، و جسارت بزهکاران در نمایش قدرت باعث می‌شود قانونگذار جرم کیف قاپی و مجازات آن را به طور جداگانه مورد بررسی قرار دهد، و اگرچه کیف قاپی زیر مجموعه انواع سرقت تعزیری می‌باشد، اما با توجه به تهدیدی که علیه امنیت روانی جامعه دارد، و بی نظمی که به وجود می‌آورد قانونگذار به طور قاطع با آن برخورد کرده است. در این جستار مشخص شد ویژگی‌ها و خصوصیات جغرافیایی، محیطی، خانوادگی، جمعیت شناختی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، اخلاقی، اجتماعی، روان شناختی کیف قاپان در بروز این جرم مؤثر است، و فرضیات تأیید شدند. (ساکي پور و دیگران: ۱۴۰۱)

جرم یک پدیده نامطلوب اجتماعی است که وقوع و رشد آن امنیت اقتصادی و اجتماعی را تهدید می‌کند و منجر به تحمیل هزینه‌های بالای اقتصادی و اجتماعی به جامعه خواهد شد. جرم عملی است که از سوی انسان‌ها در جامعه وقوع می‌یابد و چون نمی‌توان از تأثیر متقابل انسان و جامعه در یکدیگر اغماض کرد، ناچار باید برای اتخاذ سیاست کیفری صحیح به عوامل اقتصادی و اجتماعی توجه داشت؛ زیرا بسیاری از عوامل اجتماعی و اقتصادی از قبیل پایین بودن سطح معلومات و درآمدها، بی‌عدالتی در توزیع ثروت، تعلیم و تربیت اشتباه، معاشرت با بزهکاران و قاچاقچیان جنایتکار سبب می‌شود که افراد ساده لوح به تباهی کشیده و به راهی هدایت شوند که پایان آن زندان و محرومیت‌های اجتماعی است. (جلیلیان؛ ۱۳۹۹، ص ۲۰) ناپایداری با کم کردن فرصت‌ها در بخش قانونی، هزینه فرصت ارتکاب جرم بر مالکیت و اموال را کاهش می‌دهد. به گونه‌ای که ناپایداری باعث نامطمئن شدن دستمزدی می‌شود که مجرم با کارکردن به جای ارتکاب جرم به دست می‌آورد؛ بنابراین، انجام فعالیت‌های غیرقانونی در حالت ناپایداری نسبت به موقعیتی بدون ناپایداری، نسبتاً کم‌خطرتر است. تأثیر بی‌ثباتی اقتصاد کلان بر جرائم مالی در اقتصاد ایران طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۶۳، بررسی و بی‌ثباتی اقتصاد کلان با استفاده از روش گلزاکاس و فیلترینگ هادریک - پرسکات اندازه‌گیری شد.

سپس با استفاده از اقتصادسنجی داده‌های سری زمانی (هم‌جمعی، الگوی بلندمدت و الگوی تصحیح خطا)، اثر بی‌ثباتی اقتصاد کلان در کنار سایر متغیرهای کنترل بر جرائم مالی (در قالب دو برآورد برای اطمینان از ثبات در نتایج) برآورد و بررسی شد. نتایج نشان می‌دهد بی‌ثباتی اقتصاد کلان در کوتاه‌مدت و بلندمدت، اثر مثبت و معناداری بر جرائم مالی دارد. همچنین متغیرهای کنترل مانند نسبت شهرنشینی، رشد اقتصادی و بیکاری، اثری مثبت و ضریب جینی، برخلاف انتظار اثری منفی بر جرائم مالی دارد. ضریب جمله تصحیح خطا نیز نشان می‌دهد در هر دو برآورد به ترتیب به میزان ۵۰٪ و ۶۰٪ از انحراف جرائم مالی از مقدار بلندمدتش در هر دوره تصحیح می‌شود. (زروکی و دیگران؛ ۱۳۹۶، ص ۲۹)

۷. قربانی شناسی تصمیمات اشتباه از منظر بزه دیدگی سیاسی

تحقیقات جرم شناسی پس از دوره بزه مداری، به مرحله بررسی بزهکار رسید. زیرا محققان به این واقعیت دست یافتند که هر معلولی دارای علتی است و هیچ جرمی بدون عوامل سازنده آن محقق نمی‌شود. از این روست که عوامل جرم را بر فرد اثر گذارده و او را ناسازگار می‌کند. از نظر دانشمندان جرم شناسی تمرکز بر مجازات و سرکوبی آن عملی نادرست است و به دلایل آماری، حتی سنگین‌ترین مجازات‌ها، طریقه صحیح و مدبرانه‌ای که بتواند جرم را نابود سازد، نبوده است. در حقیقت جرم شناسان معتقد شدند که هر فردی که دست به ارتکاب ناهنجاری‌های اجتماعی می‌زند، زیر فشارهای گوناگون از مرز سلامت گذشته و بزهکار می‌شود. جرم‌شناسان بتدریج دریافته‌اند، برای ارائه یک مطالعه کامل و همه جانبه از جرم، باید همزمان به بررسی مجرم و نیز بزه دیده و نیز وضعیت قبل از ارتکاب جرم، پرداختند، لذا مطالعات جرم‌شناسی به سمت بزه‌دیده و شخصیت او روی آورد.

اولین بار جرم‌شناسی مشهور آلمانی - آمریکایی، فون هانتیک، کتابی تحت عنوان «بزهکار و قربانی او» در سال ۱۹۴۸ به رشته تحریر درآورد و در بخش چهارم آن، به بررسی روابط میان بزهکار و بزه‌دیده و جوانب مختلف آن پرداخت. بزه‌دیده نیز یکی از این حلقه‌هاست، لذا وقتی رفتار مجرمانه را، فرآیند یک سلسله عوامل فردی و اجتماعی معرفی می‌کنیم، باید نقش بزه‌دیده را، نیز، بعنوان عامل خارجی (اجتماعی) در ایجاد وضعیت مجرمانه، مورد بررسی قرار دهیم. با توسعه مفهوم بزه‌دیده؛ بزه‌دیده‌شناسی را به کیفری که فقط بزه‌دیدگان جرائم کیفری را مدنظر قرار دارد و بزه‌دیده‌شناسی عمومی که به تمامی بزه‌دیدگان (آسیب دیدگان) مانند بزه‌دیدگان حوادث، بزه‌دیدگان جامعه، بزه‌دیدگان دولت و نهادهای وابسته می‌پردازد تقسیم کرده است. این جا در راستای این تقسیم بندی در پی این مسئله هستیم که بزه‌دیدگان سیاسی و اجتماعی ناشی از تصمیمات سیاسی حکمرانان سیاسی را مورد بحث و بررسی قرار دهیم. سوالی که در پی آن هستیم بر اساس ظرفیت‌های رسیدگی به وضع موجود بزه‌دیدگان سیاسی اجتماعی ناشی از تصمیمات رهبران سیاسی از منظر فقهی و آموزه‌های عدالت ترمیمی قابل رصد و جبران خسارت هستند یا خیر؟

به نظر می‌رسد با توجه به مسائلی همچون «وجود تعارض منافع فلسفه به وجود آمدن قربانیان حقیقی، تصمیمات آنی و غیرسیستماتیک گاهی سیاسی، عدم شایسته سالاری واقعی در برخی مدیران سیاسی، لزوم تجدیدنظر در برخی ریل گذاری‌های مفسده انگیز، عدم توجه به نظریات کارشناسی و فکری به دلیل جبهه گیری سیاسی، عدم وجود مؤلفه‌های حکمرانی خوب مدیران سیاسی و...» از نظر قاعده فقهی لازم‌الاجرا و این بحث قابل رصد و پیگیری از سوی بزه دیده و حکومت اسلامی است. (موسوی فرد و دیگرهمکاران: ۱۴۰۱، ص ۶۳)

شرکت در سیاست یا در یک جنبش اجتماعی می‌تواند شامل فداکاری باشد. برخی از فداکاری‌ها بسیار ساده هستند، مانند وقت گذاشتن برای رأی دادن یا کمک مقدار کمی پول به یک هدف یا سازمان است. اما برخی از مردم زندگی خود را وقف اهداف و هزینه‌های شخصی زیادی می‌کنند و بسیاری در مبارزات سیاسی جان خود را از دست داده‌اند. دانیل آلن (۲۰۰۴) استدلال می‌کند که فداکاری ذاتی دموکراسی است، زیرا برخی برنده می‌شوند و برخی دیگر با هر تصمیمی بازنده می‌شوند، و کسانی که از دست می‌دهند با ادامه مشارکت چیزی را رها می‌کنند. با این حال، سطوح فداکاری اغلب نابرابر است. حفظ و تقویت یک دموکراسی مستلزم توجه عمده برای کسانی است که فداکاری کرده‌اند. رهبران جنبش اجتماعی معمولاً مردم را به فداکاری دعوت می‌کنند. گاه ایثار را محترمانه یا حتی برآورده می‌کنند و این می‌تواند معتبر باشد. مردم می‌توانند به فداکاری‌های خود افتخار کنند و از مزایای روانی بهره ببرند. مارتین لوتر کینگ، جونیور، می‌گوید: «هیچ چیز باشکوه‌تر از شجاعت مصمم افرادی نیست که مایلند برای آزادی و کرامت خود رنج بکشند و قربانی کنند.» جنبش‌های اجتماعی همچنین به طور مشخص به اعضای خود که فداکاری کرده‌اند، به ویژه کسانی که در این راه جان باخته‌اند، احترام می‌گذارند. (Levine:2022)

نتیجه گیری

بدون تردید امروزه یک سری از مشکلاتی که در جامعه شاهد آن می‌باشیم و گریبان مردم گرفته است به چند عامل بستگی دارد که عامل سوءمدیریت می‌تواند نقش بسیار کلیدی و راهبردی در به وجود آمدن وضع موجود داشته باشد. مدیرانی که بدون داشتن تخصص و برنامه‌ریزی‌های لازم مناصب مختلف حساس را در دست می‌گیرند که گهگاه تصمیماتی می‌گیرند که هزینه‌ها و آثار زیان بار آن مستقیماً سال‌ها به مردم بر می‌گردد، در زندگی مردم تأثیر مستقیم دارد. فرآیندهای تصمیم‌گیری در جهان اول و سوم یک مفهوم واحد و یکسان نیستند. با این حال، برخی از مطالعات نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری در کشورهای در حال توسعه عمدتاً بر اساس فرضیه‌های نادرستی است که منجر به نتایج مخربی شده است. اگر بخواهیم یک دولت یا در مفهوم عام حاکمیت کشوری را به عنوان سیستم با تأثیری پذیری متقابل فرض کنیم.

می‌توان چنین گفت: در تفکر سیستمی هر پدیده یک کلیت متشکل از اجزا مرتبط و متعامل است و اصل وابستگی مقابل مهم‌ترین خاصیت آن را تشکیل می‌دهد. اگر اجزا و عناصر پدیده مثلاً سازمان را بررسی نمایم آن پدیده را نشناخته‌ایم زیرا کل ویژگی‌هایی دارد که در جمع جبری تک تک اعضای آن نیست. روابط متعامل زیرسیستم‌های هر سیستم و ارتباط سیستم مور مطالعه با ابرسیستم پیرامونش مساله مهمی است که در حوزه تفکر سیستمی به آن پرداخته می‌شود. نظریه سیستم‌ها، در علوم اجتماعی، مطالعه جامعه به عنوان آرایش پیچیده‌ای از عناصر، شامل افراد و باورهای آنها، همانطور که به یک کل (به عنوان مثال، یک کشور) مربوط می‌شود. مطالعه جامعه به عنوان یک نظام اجتماعی سابقه طولانی در علوم اجتماعی دارد. ریشه‌های مفهومی این رویکرد به طور کلی در قرن نوزدهم، به ویژه در آثار هربرت اسپنسر، جامعه شناس و فیلسوف انگلیسی و امیل دورکیم، دانشمند اجتماعی فرانسوی، دنبال می‌شود.

با در نظر گرفتن این تناسب تئوریک می‌توان با نگاهی توصیفی و تحلیلی متکی بر تحقیقات انجام شده می‌توان دریافت تصمیمات اشتباه سیاسی می‌تواند بر برخ جرائم در جامعه تأثیر مستقیم بگذارد. به عنوان مثال افزایش جرائم اقتصادی اغلب با حکمرانی بد همراه است و می‌تواند اثرات منفی قابل توجهی بر اقتصادها داشته باشد. به گفته صندوق بین المللی پول جرائم مالی مانند پولشویی می‌تواند به رشد اقتصادی کمتر فراگیر و پایدار منجر شود و به نابرابری و غیررسمی دامن بزند. آنها همچنین می‌توانند حکمرانی خوب را تضعیف کنند، جرقه بی ثباتی سیاسی را برانگیزند، اعتماد به دولت‌ها و مؤسسات را از بین ببرند و تأثیر منفی و قوی بر نرخ سرمایه گذاری، پس انداز و ثبات کلی اقتصادی داشته باشند. تبعاتی همچون افزایش آمار جرائم اقتصادی، شیوع سرقت انواع کلاهبرداری، کیف قاپی و... است.

در این فرآیند شکل گرفته با توجه به تقریرات و بررسی‌های صورت گرفته پس می‌طلبد از منظر آموزه‌های جرم شناسی و جامعه شناسی جنایی به طبقه بزه دیده یعنی قربانیان تصمیمات اشتباه از منظر بزه دیدگی سیاسی دولت‌های جوامع توسعه یافته با نگاهی به داخل توجه بیشتری داشته باشند به عنوان ره آورد علمی پیشنهادات ذیل مطرح می‌گردد:

- پیش بینی اقدامات تبیهی و تشویقی برای مدیران حاکمیتی در راستای کاستن از تبعات نادرست تصمیمات غیر اصولی کارشناسی که بر جامعه تأثیر منفی می‌گذارد .
- نگاه ویژه به قربانیان مستقیم چنین نوع خاصی از بزه دیدگی و پیش بینی مکانیسم‌های قانونی لازم برای احقاق حق مادی و معنوی آنها باید توسط مقنن پیش بینی گردد.

فهرست منابع و مآخذ

الف: منابع فارسی

- اسکندری سبزی، سیما، حسن زاده، رقیه. (۱۴۰۲). تحلیل عوامل اقتصادی مؤثر بر آسیب‌های اجتماعی (جرم سرقت)؛ مطالعه موردی، استان آذربایجان شرقی. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی، ۱۲(۱).
- جلیلیان، ایرج (۱۳۹۹)؛ تأثیر بحران اقتصادی بر افزایش جرائم؛ چاپ اول، نشر انتشارات فرزندگان دانشگاه، محل چاپ تهران.
- ساکی پور، فاطمه و جمالی، الهام، (۱۴۰۱)، بررسی جرم کیف قاپی در حقوق کیفری ایران، قابل دسترسی در <https://civilica.com/doc/1722065>:
- گیلک حکیم آبادی، محمد تقی، زروکی، شهریار، حسن زاده، شهره. (۱۳۹۶). تأثیر بی‌ثباتی اقتصاد کلان بر جرائم مالی در ایران. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی، ۶(۱).
- موسوی فرد، سیدمحمد رضا، نوروزیان، حسین، چتری، محمود. (۱۴۰۱). نگاهی جامعه شناختی به «بزه دیدگان سیاسی اجتماعی» تصمیمات و اهداف حکمرانان سیاسی از منظر فقهی و عدالت ترمیمی. فصلنامه تمدن حقوقی، ۵(۱۱).

ب: منابع لاتین

- https://deepblue.lib.umich.edu/bitstream/handle/2027.42/136183/1350_Hoffman.pdf?isAllowed=y&sequence=1
- Zia Qureshi (2023, May 16). Brookings. Online access to the article <https://www.brookings.edu/articles/rising-inequality-a-major-issue-of-our-time>
- Human Development Report United Nations (2019): Inequality – Bridging the divide | United Nations. <https://www.un.org/en/un75/inequality-bridging-divide>
- Robinson, C. (2022, July 12). Widening of the wealth gap: the rise of billionaires. Global Social Challenges. <https://sites.manchester.ac.uk/global-social-challenges/2022/07/12/widening-of-the-wealth-gap-the-rise-of-billionaires>
- Daniel Judah Elazar (1998). Covenant and civil society: the constitutional matrix of modern democracy. Transaction Publishers.. ISBN 978-1-56000-311-3
- Cederman, Lars-Erik (1997). Emergent Actors in World Politics: How States and Nations Develop and Dissolve. Vol. 39. Princeton University Press. doi:10.2307/j.ctv1416488. ISBN 978-0-691-02148-5. JSTOR j.ctv1416488. S2CID 140438685

- Connor, Walker (1978). "A Nation is a Nation, is a State, is an Ethnic Group, is a...". *Ethnic and Racial Studies*. 1 (4): doi:10.1080/01419870.1978.9993240
- Tishkov, Valery (2000). "Forget the 'nation': post-nationalist understanding of nationalism". *Ethnic and Racial Studies*. 23 (4): doi:10.1080/01419870050033658. S2CID 145643597
- Carneiro, Robert L. (21 August 1970). "A Theory Of The Origin Of The State". *Science*. 169 (3947): 733–738. Bibcode:1970Sci...169..733C. doi:10.1126/science.169.3947.733. PMID 17820299. S2CID 1153643
- Tomlinson, B.R. (2003). "What was the Third World". *Journal of Contemporary History*. 38 (2): doi:10.1177/0022009403038002135. S2CID 162982648.
- Silver, M. (2015). If you shouldn't call it the third world, what should you call it? NPR. <https://www.npr.org/sections/goatsandsoda/2015/01/04/372684438/if-you-shouldnt-call-it-the-third-world-what-should-you-call-it>
- Key Features of IMF Poverty Reduction and Growth Facility (PRGF) Supported Programs, August 16, 2000, available at <http://www.imf.org/external/np/prgf/2000/eng/key.htm>.
- The role of good governance in fostering pro-poor and inclusive growth | Brookings. (2022, March 9). Brookings. <https://www.brookings.edu/articles/the-role-of-good-governance-in-fostering-pro-poor-and-inclusive-growth>
- Financial Crimes Hurt Economies and Must be Better Understood and Curbed. (2023). IMF. <https://www.imf.org/en/Blogs/Articles/2023/12/07/financial-crimes-hurt-economies-and-must-be-better-understood-and-curbed>
- Levine, P. (2022, January 29). Sacrifice - civic theory and practice. *Civic Theory and Practice*. <https://sites.tufts.edu/civicstudies/2022/01/29/sacrifice>
- Mandalu, M. P. (2023, June 3). Exploring 5 major differences between developing countries vs developed countries? <https://www.linkedin.com/pulse/exploring-5-major-differences-between-developing-vs-mandalu-ph-d>
- Gross, B. M. (1974). Destructive Decision-Making in Developing Countries. *Policy Sciences*, 5(2). <http://www.jstor.org/stable/4603739>
- Woetzel, L. (2019, April 25). From third world to first in class. McKinsey & Company. <https://www.mckinsey.com/mgi/overview/in-the-news/from-third-world-to-first-in-class>
- Economic crimes. (2022). Eurojust. <https://www.eurojust.europa.eu/crime-types-and-cases/crime-types/economic-crimes>
- von Bertalanffy, Ludwig (1972). "The History and Status of General Systems Theory". *Academy of Management Journal*. *Academy of Management*. 15 (4):. doi:10.5465/255139.

- Gibson, B. (2024, February 22). Systems theory | Social Dynamics, Complexity & Interdependence. Encyclopedia Britannica.
<https://www.britannica.com/topic/systems-theory>
- Lin, M. (2007). Does democracy increase crime? The evidence from international data. Journal of Comparative Economics, 35(3),.
<https://doi.org/10.1016/j.jce.2007.06.001>